

اعدام زندانیان با جرایم مواد مخدر در ایران سه برابر شده است



سازمان عفو بین‌الملل

۱۲ خرداد ۱۴۰۲ - ۲ ژوئن ۲۰۲۳

سازمان حقوق بشری عفو بین‌الملل می‌گوید اعدام زندانیان با جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران از ابتدای سال جاری میلادی سه برابر شده است، افزایشی که این سازمان آن را نگران‌کننده خوانده است.



این سازمان در گزارش خود اعلام کرده جمهوری اسلامی ایران در پنج ماه اول سال ۲۰۲۳ دست‌کم ۱۷۳ نفر را با جرایم مربوط به موادمخدر بر پایه دادگاه‌های «غیرعادلانه» اعدام کرده است. به گزارش عفو

بین‌الملل این آمار به نسبت دوره مشابه در سال گذشته، سه برابر بیشتر است.

اعدام زندانیان با جرایم مربوط به مواد مخدر دو سوم آمار اعدام‌ها در پنج ماه اول سال ۲۰۲۳ را در برمی‌گیرد و بسیاری از اعدام شدگان از اقلیت‌های به حاشیه رانده شده و اقشار فقیر جامعه هستند.

بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل، حدود ۲۰ درصد از اعدام‌های ثبت شده در ایران شامل بلوچ‌ها می‌شود که تنها پنج درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند.

دیانا الطحاوی، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل سرعت «بی‌شرمانه» اعدام‌ها را، که دستگاه قضایی ایران با نقض قوانین بین‌المللی در زمینه اعدام متهمان جرایم موادمخدر انجام می‌دهد، نشانه «فقدان انسانیت و بی‌توجهی آشکار آنها به حق حیات» دانسته است.

خانم الطحاوی گفته «پیر اساس حقوق بین‌الملل در زمینه خشونت، اقدام آنها (حکومت ایران) زیرپا گذاشتن کرامت انسانی و مغایر با حق حیات است. جامعه جهانی باید اطمینان حاصل کند همکاری در طرح‌های مبارزه با قاچاق مواد مخدر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به محرومیت خودسرانه از زندگی و سایر موارد نقض حقوق بشر در ایران کمک نمی‌کند.»

در سال ۲۰۲۳ جمهوری اسلامی ایران در مجموع برای جرایم مختلف دست‌کم ۲۸۲ نفر را اعدام کرده است که بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل، این میزان دو برابر بیشتر از کل اعدام‌ها در دوره مشابه و ابتدای سال گذشته میلادی تا ماه ژوئن است.

سازمان عفو بین‌الملل ابراز نگرانی کرده است که اگر مقام‌های ایران به اجرای احکام اعدام با این سرعت ادامه دهند، امکان دارد آمار اعدام تا پایان سال جاری میلادی به نزدیک هزار نفر برسد.

عفو بین‌الملل همچنین اشاره کرده جمهوری اسلامی در سال جاری میلادی علاوه بر اجرای حکم اعدام محکومان جرایم مخدر، زندانیان سیاسی مربوط به اعتراضات را اعدام کرده است و همچنین دو فرد دیگر را به دلیل مطالبی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بودند به «ارتداد» محکوم شدند. یک مرد هم به دلیل رابطه جنسی با زنی متاهل اعدام شده است.

پافشاری قوه قضائیه بر اجرای حکم اعدام

در حالی که اعتراض‌های داخلی و خارجی نسبت به روند افزایشی اعدام‌ها در ایران بالا گرفته است، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه ایران، با اشاره به اعتراضاتی که از شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد گفته حکم اعدام افرادی که باید اعدام شوند، اجرا خواهد شد.

آقای محسنی‌اژه‌ای دو روز پیش در یک سخنرانی در تهران گفت: «آنها که به واسطه اعمال و جنایت‌هایشان طبق قانون باید اعدام می‌شدند و یا باید اعدام شوند، بدون مجامله و البته در عین رعایت کامل موازین قانونی و عدل و انصاف، حکمشان اجرا شده یا خواهد شد».

در هفته‌های گذشته روند اعدام‌ها سیر صعودی داشته است و حکم اعدام تعدادی از زندانیان سیاسی که اغلب از معترضان بازداشت شده اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ بودند، از جمله متهم پرونده موسوم به «خانه اصفهان» به نام‌های مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی به اجرا درآمد.

از زمان آغاز اعتراضات شهریور سال گذشته حکومت ایران ۷ معترض زندانی را به دار آویخته است.

این در حالی است که حدود یک ماه پیش دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو با اشاره آمار بالای اعدام‌ها در ایران، رکورد ثبت شده اعدام‌های ثبت شده را «مایه انزجار» خواند.

در ماه‌های اخیر شماری از خانواده‌های محکومان به

اعدام و مخالفان مجازات مرگ تجمع‌هایی اعتراضی در برابر زندان‌ها برگزار کرده‌اند.

افزایش جهانی آمار اعدام در سال ۲۰۲۲ و اعدام جرایم موادمخدر در ایران

بر اساس گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل که مه ۲۰۲۳ منتشر شد، اعدام‌های ثبت شده در سال میلادی ۲۰۲۲ افزایش ۵۳ درصدی داشته است.

بر اساس بررسی سالانه این سازمان حقوق بشری، در مجموع ۸۸۳ نفر در ۲۰ کشور اعدام شدند که نه تنها بیشتر از ۲۰۲۱ است، بلکه بالاترین رقم اعدام ثبت از سال ۲۰۱۷ به این‌سو است. عفو بین‌الملل می‌گوید ایران، عربستان سعودی و مصر به تنهایی ۹۰ درصد از این اعدام‌ها را انجام داده‌اند. به دلیل اینکه آمار اعدام در چین محرمانه است، این ارقام شامل آن کشور نشده در حالی که ارزیابی این است که چین هر سال هزاران نفر را اعدام می‌کند.

در ایران اجرای حکم اعدام جرایم مربوط به مواد مخدر در حالی افزایش پیدا کرده که بسیاری از فعالان حقوق بشر معتقدند نه تنها متهمان از دادگاه عادلانه برخوردار نیستند، بلکه شماری از متهمان با اتهام‌های دیگری بازداشت شده‌اند که با تغییر در پرونده، به اتهام مواد مخدر به اعدام محکوم می‌شوند.

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۹۶ بر پایه برخی معاهده‌های حقوق بشری بین‌المللی، متعهد شد قانون مبارزه با جرایم مواد مخدر را اصلاح کند و اعدام زندانیان متهم به جرایم مواد مخدر کاهش داشت. اما از سال ۲۰۲۰ میلادی بار دیگر آمار اعدام مجرمان مربوط به موادمخدر روند افزایشی پیدا کرد.

برگرفته از رسانه های ایرانی در خارج از کشور

گردهمایی سراسری دوازدهم جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لا ئیک ایران



گردهمایی “”

بیانیه سیاسی

۱- خیزش انقلابی “” “” در اعتراض به کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی، از ۲۶ شهریور در ایران آغاز شد و طی چهار ماه کمابیش با شدت و گستردگی ادامه پیدا کرد، این خیزش با طرح خواست اصلی و محوری سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران، خیزشی بی‌سابقه و انقلابی در طول ۴۴ سال حاکمیت اسلامی در کشور ما بود. در جریان آن، بنا بر آمار نهادهای حقوق بشری بین‌المللی، بیش از ۵۰۰ نفر از معترضان خیابانی کشته شدند، بیش از ۱۴ هزار نفر از فعالان و معترضان دستگیر، ده‌ها نفر نفر محکوم به اعدام و چندین نفر نیز به دار آویخته شدند و از سرنوشت ده‌ها تن دستگیر شده و زندانی نیز هیچ خبری در دست

نیست. با وجود سرکوب و کشتار، اما این خیزش اعتراضی ضد دیکتاتوری و ضد دین سالاری در ایران تا کنون از پای ننشسته است چون ریشه در ژرفای جامعهی ستمدیده ایران دارد. پی آمد بیش از چهار دهه نظام تبعیض آمیز دینی همراه با رانت خواری، دزدی و دروغ، قتل و غارت، ناکارآمدی و بی کفایتی حاکمان در حل کوچکترین مشکلات و مسایل جامعه و بالاخره سیاست های زن ستیز رژیم باعث خیزش انقلابی زن زندگی آزادی شد و مردمان اقوام و اقشار گوناگون و به ویژه تهیدستان کثیری را برای اعتراض به خیابان ها کشید و مرحلهی نوینی از رشد آگاهی و پیکار برای کسب آزادی و دموکراسی در ایران را بازگشود، که نویدبخش قیام های بزرگ در آینده ای نه چندان دور خواهد بود.

۲- این خیزش انقلابی نشان داد که خواست اصلی اکثریت بزرگ مردم ایران امروز، دستیافتن به آزادی و دموکراسی و پایان دادن به دین سالاری و تبعیض های گوناگون آن، از راه سرنگونی رژیم و نه اصلاحات غیرممکن آن است. این خواست را معترضین کف خیابان با شعارهای خود: **نه به دیکتاتوری!**، **نه به جمهوری اسلامی!** و **زننده باد آزادی!**، روزها و شبها بر زبان آوردند. جامعهی ایران در اکثریت شکننده اش، از اقشار و طبقات مختلف، با این که در انبوه ملیونی خود به خیابان نیامد، اما با شیوه ها و از راه های گوناگون با این خواست اصلی معترضان همسویی، همراهی و همبستگی نشان داد.

۳- خیزش ۱۴۰۱ خیزشی خودجوش و خودانگیخته زنان و جوانان برای آزادی و رهایی از دیکتاتوری بود. با شعارها، خواستها، ابتکارها و اقدام هایش، این جنبش از پیش سازماندهی و برنامه ریزی نشده بود و از سوی گروهی، دسته ای و یا جریان، چه در داخل و چه در خارج از کشور، هدایت نمی گردید. این خیزش در جریان روند مستقل خود دارای تشکیلات و رهبری نبود، با این که در فرایند حرکت و گسترش خود، به گونه ای خودجوش، خودمحور و خودمختار، شکلها و شیوه هایی از

هماهنگی، همکاری، خبررسانی و سازماندهی‌های جنینی، موضوعی، افقی و محلی میان خود را توانست، به رغم همه‌ی موانع و مشکلات ناشی از سرکوب، به وجود آورد.

۴- خیزش ۱۴۰۱ ذهنیت مبارزانی و مقاومتی جنبش‌های پیشین را چون تجربه و خاطره با خود به همراه داشت. این جنبش خیزش انقلابی را می‌توان ادامه‌ی جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشین در ایران، جنبش‌های صنفی، مدنی، سیاسی و همچنین اعتصابات و اعتراضات گوناگون، از دهه‌ی ۸۰ تا کنون توضیح داد: جنبش ۱۳۸۸ در اعتراض به تقلب در انتخابات دهم ریاست جمهوری، جنبش دیماه ۱۳۹۶ در اعتراض به گرانی کالاها و مایحتاج عمومی، جنبش خرداد ۱۳۹۷ در رابطه با مشکلات اقتصادی، جنبش آبان ۱۳۹۸ در اعتراض همگانی به سهمیه‌بندی بنزین و سرانجام جنبش تابستان ۱۴۰۱ در اعتراض به بحران و کمبود آب. با این همه اما، خیزش زن زندگی آزادی، از سنخ و سرشت دیگری بود. ویژگی اصلی، ممتاز و متمایز آن نسبت به جنبش‌های گذشته در ایران، از یکسو خواست رادیکال سیاسی، گفتمان غیردینی (حتی ضد دینی) و بیشک ضد دین‌سالاری و از سوی دیگر نقش بسیار برجسته زنان، جوانان، نوجوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان آزادیخواه در خیزشی بود که از اقشار، طبقات، اقوام و از محلات مختلف در شهرها و شهرستان‌های بزرگ و کوچک ایران برمی‌خاستند.

۵- چند ویژگی خیزش □□□□□ □□□□□□ را اشاره می‌کنیم:

- شرکت و حضور گسترده زنان به گفته تحلیل‌گران بسیاری در مقایسه با اعتراضات پیشین قابل ملاحظه است. دلیل آن بی‌تردید مخالفت با حجاب اجباری و زن‌ستیزی حاکمیت اسلامی است که مردان و پسران جوان و نوجوان با شوری فراوان به پشتیبانی از این خیزش برخاستند. حتا در مناطقی چون سیستان و بلوچستان که به دلیل ویژه‌گی‌های فرهنگی به طور معمول زنان کمتر در حرکت‌های اجتماعی شرکت می‌کردند، این بار شاهد حضور چشم‌گیر آنان بودیم.

- پایین بودن سن معترضان، بنا به گزارش خبرگزاری‌های رسمی داخل کشور، حدود ۸۰ درصد بازداشتی‌ها نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله بودند که با توجه به سهم ۱۳ درصدی جمعیت کل کشور، نشان از مشارکت فراوان جوانان در این خیزش انقلابی است.

- گسترش اعتراضات در تمام مناطق و استان‌های کشور و در بیش از ۱۴۰ شهر و شهرستان و بخش. اعتراضات متعدد گروهی روزها و شب‌ها در نقاط مختلف هر شهر، تنها در تهران در بیست مکان مختلف، معترضان خیابانی ماموران سرکوب نظام، بسیجی‌ها و پاسداران را به استیصال کشاندند. اعتراضات در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، کردستان و گیلان بیشتر و پی‌گیرتر از هر منطقه‌ی دیگر ایران ادامه پیدا کرد.

به طور کلی و در یک کلام می‌توان گفت، در خیزش انقلابی ۱۴۰۱، خواست اصلی معترضان رهایی از فشار و سلطه و تبعیض دینی و آتنیکی، به ویژه نسبت به زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی، برای یک زندگی در آزادی بود. سایر خواست‌های اجتماعی و اقتصادی چون عدالت اجتماعی، برابری و معضلات معیشتی، صنفی، محیط زیستی، فقر، بیکاری، کم‌درآمدی، پائین بودن حقوق بازنشستگی، گرانی و غیره که در جنبش‌های اعتراضی سال‌های پیش مطرح می‌شدند، در این خیزش نیز البته همچنان با شدت باز هم بیشتر به جای خود باقی مانده و مطرح بوده‌اند. اما در این حرکت نوین بی‌سابقه، این‌ها همه به عنوان مطالبات اقتصادی، صنفی و مدنی، در پرتو یک خواست اصلی، تعیین‌کننده و شاخص که همانا پایان دادن به عمر دیکتاتوری و دستیافتن به آزادی بود و این را نیز معترضان تنها از راه سرنگونی تام و تمام رژیم جمهوری اسلامی امکان‌پذیر می‌شمردند.

۶- نهادها و انجمن‌های صنفی و مدنی در ایران در چند دهه اخیر، با این که از آزادی تشکل و فعالیت برخوردار نیستند - چون شورای هماهنگی معلمان،

اتحادیه بازنشستگان، سندیکای کارگران هفت تپه و شرکت واحد، کانون نویسندگان ایران، اتحادیه‌های دانشجویی و دیگر نهادهای هم‌سان - توانسته‌اند با اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها و تحصن‌های مستمر و گسترده خود در اکثر نقاط کشور نقش مهمی در رشد جنبش‌های اجتماعی و آگاهی مبارزاتی و مقاومتی مردم ایفا کنند. این نهادها، در جریان خیزش انقلابی □□□□□□ □□□□□□، همراهی و هم‌سویی خود را با زنان و جوانان مبارز و آزادی طلب از راه‌های گوناگون نشان دادند و امروز نیز، در شرایط افت موقت اعتراضات، خاموش ننشسته‌اند و با هر امکان و وسیله‌ای به خیابان می‌آیند تا شعله خشم و نفرت مردم به ستوه آمده را زنده نگاه دارند.

۷- شعار □□□□□□ □□□□□□ که به پرچم نمادین خیزش انقلابی ایران تبدیل شد، هویت مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی با دو خصوصیت اصلی دین‌سالاری و ستم بر اقوام را نشان داد. زن‌ستیزی و تبعیض بر اقلیت‌ها به ویژه بر اِتنی‌های ساکن ایران، بیان‌گر چیزی نیست جز دشمنی بنیادین حاکمیت اسلامی با زندگی انسان‌ها در آزادی، آزادگی و برابری با ویژگی‌های جنسیتی، فرهنگی و قومی‌شان. خیزش برخاسته از مرگ مهسا (ژینا)، با اعتراض زنان به حجاب اجباری، با از سر برداشتن روسری‌ها و آتش زدن آن‌ها آغاز شد و با شورش بخش‌های گسترده‌ای از اقشار مختلف اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزشی و اقلیت‌های قومی، از کردستان تا بلوچستان با گذر از دیگر استان‌های ایران، برای رهایی از سلطه و ستم ادامه پیدا کرد.

زنان ایرانی به طور فزاینده‌ای از محدودیت‌های زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به تنگ آمده‌اند. آن‌ها با مجموعه‌ای از موانع قانونی، فرهنگی و مذهبی مواجه هستند که فرصت‌ها و آزادی آن‌ها را محدود می‌کند، از جمله محدودیت در خود مختاری شخصی، پوشش، تحصیل و اشتغال. در درازای چهل و اندی سال تبعیض و زن‌ستیزی در جمهوری اسلامی، جنبش اجتماعی

برای "زن، زندگی، آزادی" با میل به رفع این موانع و ترویج برابری و آزادی بیشتر برای زنان در ایران تقویت شده است. در حقیقت، خیزش زن زندگی آزادی محصول تغییرات اجتماعی و اقتصادی در کشور است. این تغییرات به خواسته های فزاینده برای آزادی و برابری بیشتر برای زنان و در نتیجه به یک جنبش اجتماعی بزرگ زنان در کشور ما انجامیده است. این جنبش همچنین تحت تأثیر تغییرات فرهنگی در ایران قرار گرفته است، زیرا نسل های جوان نقش های جنسیتی سنتی را رد و طرد می کنند و خواهان آزادی و برابری بیشتر هستند. در نهایت، جنبش اجتماعی برای « زن آزادی زندگی » در ایران، نمونه ای از قدرت جنبش های اجتماعی برای ایجاد تغییرات اجتماعی بنیادین و ایجاد شکل های جدید زندگی و به طور کلی خود جامعه است.

□□□□□ □□□□□ در عین حال یک شعار فمینیستی در اوضاع و احوال جهانی است که امروزه با نابرابری جنسیتی و با اشکال مختلف خشونت و تبعیض علیه زنان، شهروندان و... رو به رو می باشد. این شعار در عین حال جهانشمول است چون مسأله آزادی زنان در دنیای امروز را طرح می کند. در دنیایی که از هر سو، آزادی های اساسی، دموکراسی، جمهوریت، حقوق بشر و اقلیت های اتنیک، برابری و غیره بیش از پیش مورد حمله ی نیروهای استبدادگرا، خودکامه، نژادپرست، توتالیتار و پوپولیست قرار می گیرند. از این رو می توان به راستی درک کرد که چگونه شعار مرکزی خیزش انقلابی ایران مورد پذیرش و استقبال فراوان نیروهای فمینیست، دموکرات، آزادی خواه و ترقی خواه جهان قرار گرفت. با توجه به نکات بالا می توان گفت خیزش "زن، زندگی، آزادی" دارای ویژگی های گفتمانی و فرهنگی نوینی (غیر دینی) است که در سال های اخیر در کوران مبارزات و خیزش های چند سال اخیر تدوین شده و مورد استقبال اکثریت مردم ستمدیده و جنبش های مدنی قرار گرفته و نموده های آنرا می توان در اشکال مبارزاتی، ترانه های بیشمار انقلابی و شعارها دید.

۸- اگر چه نابرابری و فشاری که بر زنان از همان فردای انقلاب ۵۷ و در درازای عمر نظام روا رفته ناگفتنی است، اگر چه جوانان از تحمیل سبک زندگی و محدودیت های واپسگرانه حکومت اسلامی بستوه آمده اند، اما انگیزه های دیگری نیز در خیزش اجتماعی اخیر تاثیر داشته اند. واقعیت این است که تورم لجام گسیخته، بی ارزش شدن پول ملی و بیکاری کمر مردم را زیر بار گرانی و نداری خم کرده است. نرخ بالای تورم، اقتصاد کشور را در سراشیب سقوط قرار داده است. وزارت کار ایران در گزارش سالانه خود، از رشد چشمگیر شمار مستمندان کشور خبر داده است، از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ یکسوم جمعیت کشور به زیر خط فقر مطلق کشیده شده اند.

در این میان، دولت برای حل مشکلات اقتصادی و نقدینگی خود و تأمین بودجه کشور دست به حراج اموال عمومی تحت نام "مولد سازی" میزند، که حتا خلاف قوانین خود جمهوری اسلامی است. بنا بر فرمان رهبری و از بالای سر مجلس، هیئت هفت نفره ای مرکب از بدنام ترین افراد حکومتی اختیار تام گرفته است که با مصونیت کامل قضائی ثروت های متعلق به مردم که بالغ بر صدها میلیارد دلار می شود را قیمت گذاری کرده و به فروش رساند.

۹- کنشگران آزادی خواه ایران موظفانند، همراه با شعار □□□□ □□□□ و در تکمیل ضروری و اثباتی آن، شعارهای سیاسی - اجتماعی ایجابی خود را در اوضاع کنونی مطرح کنند. آنها امروزه باید بر این حقیقت تاریخی درنگ کنند که در سیاست و در مبارزات اجتماعی، تنها با نفی کردن کاری از پیش نمیرود و نخواهد رفت. در این جاست که اعلام موضعی ایجابی و اثبات گرا ضرورت پیدا میکند. مبارزه در چهارچوب شعارهایی صرفاً نفی گرا چون «نه به دیکتاتوری»، «نه به جمهوری اسلامی»... اگر همراه و همزاد نشود با بیان اثباتی یک طرح سیاسی- اجتماعی جایگزین، آشکار و ایجابی، در برابر جمهوری اسلامی و آلترناتیوهای ارتجاعی و اقتدارگرای دیگر، هیچ

تغییری در اوضاع به وجود نخواهد آورد. امروز، سه شعار ایجابی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران عبارت‌اند از: نه به دیکتاتوری، آری به دموکراسی؛ نه به دین‌سالاری، آری به لائیسیته؛ نه به پادشاهی، آری به جمهوری.

دموکراسی چون مشارکت مردمان در اداره‌ی امور خود، ممکن نیست مگر با استقرار آزادی‌های گوناگون بیان، اندیشه، عقیده، تشکل و تجمع، به‌ویژه آزادی مخالفت کردن، آزادی اعتراض، تظاهرات و اعتصاب؛ آزادی مطبوعات و رسانه‌های مستقل، آزادی فعالیت‌های مدنی... دموکراسی یعنی پلورالیسم و چندگانگی که با هر گونه مناسبات اقتدارگرا، دیکتاتوری، پادشاهی، فرد سالاری، دین‌سالاری، تک‌حزبی، توتالیتار در تضاد قرار می‌گیرد.

لائیسیته چون جدایی دولت (سه قوای قانون‌گذاری، قضائی و اجرائی) و دین، برابری همه‌ی شهروندان مستقل از اعتقادات دینی یا غیر دینی‌شان را تضمین می‌کند. در لائیسیته، دین رسمی وجود ندارد، مذهب و دین امر خصوصی تلقی می‌شوند و هر فرد آزاد است که باورمند به دین، بی‌دین یا ضد دین باشد.

جمهوری در مقابل پادشاهی و سلطنت قرار می‌گیرد. در جمهوریت، سیاست، دولت، حکومت و به طور کلی اداره‌ی امور جامعه و کشور، امر عموم است و نه در انحصار فردی، دسته‌ای، شورایی، حزبی، طبقه‌ای و یا نمایندگان حاکم منتخب. جمهوری یعنی استقلال سه قوای اجرائی، قانون‌گذاری و قضایی. یعنی انتخابی بودن مقامات کشوری برای مدتی محدود و معلوم، از رئیس‌جمهور تا دیگر مسئولان دولتی، نمایندگان مجلس و غیره. جمهوری مورد نظر ما، با این که باید نهبان یکپارچگی و تقسیم‌ناپذیری ایران باشد، اما به هیچ رو نباید تمرکزگرا باشد، با توجهی ویژه به شرایط یک سرزمین چند اتنیک با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون و با خواست‌های دموکراسیخواهانه و برابری‌طلبانه از سوی مناطق مختلف، شکل و مضمون کشورداری غیرمترکز در شکل‌هایی چون خودمختاری،

“رهبری”هایی کاذب، خودساخته، سایبری یا وکالتی... جدا از میدان اصلی اجتماعی و مبارزاتی و از بالا. این گونه بدیل‌سازی‌های بی‌ریشه و جدا از جامعه واقعی توسط احزاب، افراد یا کنشگران تبعیدی، خواسته یا ناخواسته، برای به رسمیت شناختن خود، متکی به قدرت‌های خارجی خواهند شد و در نتیجه کمکی به جنبش داخل نخواهند کرد.

گروه‌ها و سازمان‌های اپوزیسیون مترقی خارج کشوری بیش از هر چیز باید کوشش کنند که در درجه نخست در داخل کشور و در متن جامعه و جنبش‌های اجتماعی، به رغم همه مشکلات و محدودیت‌های ناشی از رژیم ترور و اختناق، حضور پیدا کنند و فعالیت نمایند. در خارج از کشور، وظیفه‌ی آن‌ها باید امر پشتیبانی از جنبش داخل کشور باشد. در کنار این وظیفه‌ی اصلی و مقدم، اما وظیفه‌ی دیگری در شرایط حساس کنونی، پیش‌پای جمهوری‌خواهان خارج از کشور قرار دارد از جمله مبارزه سیاسی و نظری با جریان‌های اقتدارگرا در اشکال مختلف راست و چپ، به ویژه سلطنت‌طلبان و پادشاهی‌خواهان است. این دسته با ترفندهای گوناگون و از راه امکانات گسترده‌ی تبلیغاتی خود در خارج از کشور، خواهان احیای رژیم پادشاهی در ایران هستند و در این راستا از همکاری بخش‌هایی از جمهوری‌خواهان نیز برخوردار شده‌اند. از این روست که امروزه، شکل‌گیری هر چه گسترده، فعال و مستقل جمهوری‌خواهان در خارج از کشور در دفاع از جمهوریت و در نفی آلترناتیوهای اقتدارگرا و فردگرا چون پادشاهی و سلطنت اهمیت دوچندان می‌یابد.

13- در خارج از کشور، همکاری، هم‌گرایی و اتحاد میان جریان‌های جمهوری‌خواه، دموکرات و لائیک / سکولار تنها در راستای وظیفه‌ی اصلی آن‌ها مبنی بر پشتیبانی و سازمان‌دهی بیشترین همبستگی بین‌المللی با جنبش داخل کشور می‌تواند معنا داشته و تأثیرگذار باشد. هم‌چنان که امروزه ما شاهد همبستگی بی‌سابقه جامعه بین‌المللی، نهادها و دولت‌های دموکراتیک جهان با مبارزات آزادی‌خواهانه

مردم ایران می‌باشیم.

در درازای تاریخ نوزده ساله‌اش همواره خواهان همکاری و همگرایی با روندهای جمهوری‌خواه در خارج از کشور بوده و هست. این امر، به ویژه امروز، در شرایطی که جریان‌های اقتدارگرا و غیردموکرات، از طیف‌های مختلف سیاسی، با مشاهده برآمدن خیزش انقلابی در داخل کشور و احتمال فروپاشی نزدیک رژیم، سخت به تکاپو برای طرح شعارها و الترناتیوهای خود افتاده‌اند، بیش از همه ضروری و مبرم می‌گردد. از دید ما، پذیرش چند اصل اساسی زیر می‌تواند شرط همکاری و همگرایی جمهوری‌خواهان قرار گیرد:

۱- سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران؛

۲- جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین؛

۳- استقلال و یکپارچگی ایران؛

۴- عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی.

۱۴- جنبش سرنگون‌طلب ایران با رژیمی سر و کار دارد که یک قدرت بزرگ نظامی و اسلام‌گرا در خاورمیانه و در آستانه‌ی دستیافتن به سلاح اتمی است. جمهوری اسلامی ایران، برای حفظ بقا خود، هم‌پیمان با دو قدرت بزرگ جهانی، چین و روسیه، شده است و از حمایت تام و تمام این دو برخوردار است. گروه‌های اسلام‌گرا و تروریست در خاورمیانه - از طالبان افغانستان تا حزب‌الله لبنان با گذر از یمن، عراق، فلسطین و رژیم سوریه - همگی سخت مدافع جمهوری اسلامی ایران‌اند چون به پشتیبانی معنوی و مادی، سیاسی و نظامی او نیاز حیاتی دارند. از سوی دیگر، نیروهای دموکراتیک در سطح بین‌المللی (جامعه مدنی، احزاب، پارلمان‌ها، دولت‌ها...) نقشی نمی‌توانند و نباید به غیر از اعلام همبستگی خود با مبارزات داخل کشور و کوشش در منزوی کردن رژیم جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی ایفا کنند.

برای ایزوله کردن هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی در جهان، اپوزیسیون ایران در خارج از کشور می‌تواند در راستای تحقق اهداف زیر مبارزه کند و دولت‌ها و پارلمان‌های دموکراتیک و نهادهای بین‌المللی را مورد خطاب و زیر فشار گذارد:

۱- قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروه‌های تروریستی؛

۲- کاهش روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی تا سطح کاردار به تناسب تشدید سرکوب و نقض حقوق بشر در ایران.

۳- اخراج نمایندگان دولت جمهوری اسلامی از نهادهای بین‌المللی (زنان، حقوق بشر، سازمان بین‌المللی کار...)

۴- افزایش بسته‌های تحریمی هدفمند با افزایش فشار بر رژیم اسلامی و عوام‌لش، و نه بر مردم؛

۵- کاهش همکاری‌های اقتصادی - تجاری با جمهوری اسلامی تا پایین‌ترین سطح ممکن، برابر با تشدید نقض حقوق بشر در ایران.

15- یکی دیگر از وظایف اپوزیسیون آزادی خواه و ترقی خواه ایران در خارج از کشور، در جهت ایجاد یک همبستگی بین‌المللی گسترده با جنبش‌های اجتماعی، مدنی، صنفی و سیاسی داخل کشور، فراخواندن نهادهای مستقل و مترقی در کشور متبوع - چون سازمان‌های زنان، حقوق بشری و ضد شکنجه و اعدام، نهادهای دفاع از روزنامه نگاران، نویسندگان و کنشگران سیاسی و عقیدنی در بند، سندیکاها، کارگری، معلمان و غیره - به پشتیبانی فعال از مبارزات مردم ایران با برگزاری کارزارها و همایش‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضد مردمی آن است.

16- مردم ایران، تنها با تکیه به نیروی خود و مستقل از نیروها و قدرتهای خارجی، تنها با ادامه

و گسترش توانمندی خود، با تشکل‌پذیری خود در داخل کشور، توسط خود و به دست خود، در خودمختاری و خودسازماندهی، و سرانجام تنها با طرح خواسته‌هایی ایجابی و اثباتی در راستای آزادی، جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین، قادر خواهد شد از راه ایجاد جنبشی پایدار، مقاوم و مداوم در برابر قدرت حاکمه، شرایط ایجاد قدرتی دوگانه و سرانجام فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم آورد. وظیفه اپوزیسیون جمهوری خواه، دموکرات و لائیک در خارج از کشور، با ایجاد یک همکاری و همگرایی بزرگ میان خود، پشتیبانی از جنبش انقلابی داخل و گسترش همبستگی بین‌المللی با آن است.

□□□□□□□□□□ □□□□ □□□□□□□□□□□□

عمل کند و عمل خواهد کرد.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

٤ ژوئن ٢٠٢٣ - ١٤ خرداد ١٤٠٢



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

گردهمایی سراسری دوازدهم جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لا ئیک ایران



گزارش

دوازدهمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، همراه با میزگردی متشکل از چهار نهاد جمهوری خواهی، پیرامون بررسی خیزش انقلابی اخیر و وظایف اپوزیسیون جمهوری خواه خارج از کشور، در شهر بروکسل در روزهای ۲، ۳ و ۴ ژوئن برگزار شد.

محور اصلی این گردهمایی، بررسی شرایط سیاسی ایران پس از آغاز خیزش زن، زندگی، آزادی" و چگونگی و شکل پشتیبانی ایرانیان خارج از کشور در تداوم آن بود. از آن میان طرح و بررسی وظایف جمهوری خواهان دموکرات بعنوان جمعی که نسبت به دیگر نظرات، نظراتی نقادانه تر و قابل تعمق تری دارند مورد نقد قرار گرفت.

پیشنهادهای ارائه شده از طرف نشست به مضمون زیر بود :

۱- کوشش در جهت ایجاد زمینه های عملی برای ایجاد یک فروم جمهوری خواهی به منظور همراه کردن این

جمع به هماندیشی و هم‌بینشی نزدیک‌تر؛

۲- کوشش در زمینه فراهم ساختن امکانات لازم جهت بازگشایی گفتمان‌های نظری از طریق میزگرد ها ؛

۳- کوشش در جهت فراهم ساختن شرایطی برای فعالیت‌های عملی مشترک بر اساس پروژه‌های مورد توافق.

در پایان، یک بیانیه سیاسی جهت نقد و بررسی به گردهمایی ارائه شده بود که پس از بحث و گفتگو بین همراهان به تصویب رسید. این بیانیه به نقد و بررسی همه جانبه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ "زن، زندگی، آزادی" پرداخت و راه کارهایی را برای همگرایی جمهوری خواهان در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران ارائه داد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران امیدوار است با شرکت در متحول شدن این راه بردها، به زمینه‌های پیوند ارگانیکی بین فعالیت‌های جمهوری خواهان دموکرات و خواهان جدایی دین و دولت، در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، کمک‌رسانی کرده و گام‌های موثری در این زمینه بردارد.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

5 ژوئن 2023 - 15 خرداد 1402



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

آگهی دوازدهمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران



شنبه ۳ و یکشنبه ۴ ژوئن ۲۰۲۳ - ۱۳ و ۱۴ خرداد ۱۴۰۲

در شهر بروکسل - بلژیک

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، بنا بر قرار همیشگی خود، امسال نیز در روزهای شنبه ۳ و یکشنبه ۴ ژوئن ۲۰۲۳، برابر با ۱۳ و ۱۴ خرداد ۱۴۰۲، دوازدهمین گردهمایی سراسری و سالانه خود را تشکیل می‌دهد. این گردهمایی، به نام □□□□□□ و خیزش انقلابی ۱۴۰۱، در شهر بروکسل (بلژیک) برگزار خواهد شد.

در این نشست، با توجه به آزمون بزرگ و تاریخی این

خیزش و ادامہی مبارزات مردم ایران برای کسب آزادی و دموکراسی، ضرورت راینی در تبیین راهکارهای مناسب برای همکاری و همگرایی جمهوریخواهان دموکرات و لائیک در راستای پشتیبانی از جنبشهای اعتراضی و اجتماعی داخل کشور اهمیت دوچندان پیدا میکند.

ما از همه دوستان و علاقه‌مندان دعوت میکنیم حضوری و یا مجازی (زوم) در بحث‌های این گردهمایی شرکت کنند و ما را در همفکری و همکوشی یاری رسانند.

دوازدهمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

شنبه ۳ و یکشنبه ۴ ژوئن ۲۰۲۳ - ۱۳ و ۱۴ خرداد ۱۴۰۲

ساعت ۱۰:۳۰

بروکسل - بلژیک

Avenue d'Auderghem (Auderghem) numéro 56
1040 Bruxelles - Belgique

[لینک به اتاق زوم](#)

Meeting-ID: 816 8518 3452

Kenncode: 396158



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۸ مه ۲۰۲۳ - ۷ خرداد ۱۴۰۲

میزگرد سیاسی چهار جریان جمهوری خواه و لائیک



خیزش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" و
درسهای آن برای اپوزیسیون جمهوری خواه
ایران

جمعه ۲ ژوئن از ساعت ۱۸:۳۰ به وقت
اروپای مرکزی
برابر با ۱۲ خرداد از ساعت ۲۰:۰۰ به
وقت تهران

گشایندگان بحث:

ارژنگ برهان از اعضای هماهنگی جمهوریخواهان
ایرانی در اروپا

کیومرث صابغی، از همراهان جنبش
جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

فرهنگ قاسمی سخنگوی حزب سوسیال دموکرات و
لائیک ایران

امیر حسین لادن راهبردی اندیشکده آگاهی و
شناخت

شیدان وثیق، از همراهان جنبش جمهوریخواهان
دموکرات و لائیک ایران

آدرس محل برگزاری:

Avenue d'Auderghem (Auderghem) numéro 56

Bruxelles 1040

Belgique

[لینک به زوم](#)

Meeting-ID: 816 8518 3452

Kenncode: 396158

اندیشکده آگاهی و شناخت
هماهنگی جمهوریخواهان ایرانی در اروپا
حزب سوسیال دموکرات و لائیک ایران
جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

مجازات اعدام در جهان در سال 2022



گزارش سازمان عفو بین‌الملل

مجازات اعدام در جهان در سال ۲۰۲۲: بیشترین تعداد
اعدام در پنج سال گذشته



۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۲، سازمان عفو بین الملل مروری سالانه درباره مجازات اعدام در جهان منتشر کرد. اعدام های ثبت شده در سال ۲۰۲۲ به بالاترین میزان در پنج سال گذشته با افزایش ۸۳ درصدی نسبت به سال پیش رسید. در مجموع ۸۸۳ نفر در ۲۰ کشور اعدام شده اند و در پایان سال حداقل ۲۸۲۸۲ نفر در جهان به اعدام محکوم شده اند.

برآورد می شود که هزاران اعدام در چین در این آمار وجود ندارد، زیرا این کشور اطلاعات در این مورد را مخفی نگه می دارد. افزایش اعدام های ثبت شده عمدتاً در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است که مجموعاً ۸۲۵ اعدام در طول سال انجام داده اند که ۹۳ درصد از اعدام های شناخته شده در سطح جهان است، البته بدون احتساب همه اعدام های مخفیانه در چین.

روز ۱۵ اردیبهشت ماه، خبر غم انگیز اعدام حبیب چعب، شهروند سوئدی در ایران را دریافت کردیم، کشوری که در سال ۲۰۲۲ تعداد اعدام های خود را ۸۳ درصد افزایش داده و به حداقل ۵۷۶ اعدام رسانده است. ایران از چند جهت در این گزارش برجسته است. ۱۲ مورد از ۱۳ اعدام شناخته شده زنان در سطح جهان در ایران انجام شده است، علاوه بر این جوانانی اعدام شدند که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال بودند.

عربستان سعودی تعداد اعدام ها را در طول سال سه برابر (۱۹۶ نفر) کرده است و علیرغم اینکه که ۲۳ ایالت آمریکا اکنون اجرای مجازات اعدام را متوقف کرده اند اما ایالات متحده دوباره به میان پنج کشوری بازگشت که بیشترین اعدام ها را در سال ۲۰۲۲ داشته اند. در آمریکا ۱۸ نفر اعدام شدند.

با وجود افزایش جهانی مجازات اعدام در جهان، نقاط روشنی نیز در این گزارش وجود دارد:

شش کشور به طور کلی یا جزئی مجازات اعدام را لغو کردند. قزاقستان، پاپوآ گینه نو، سیرالئون و جمهوری آفریقای مرکزی مجازات اعدام را برای همه جرم ها لغو کردند، در حالی که گینه استوایی و زامبیا مجازات اعدام را برای جنایات زمان صلح لغو کردند. تا دسامبر ۲۰۲۲، ۱۱۲ کشور مجازات اعدام را برای همه جرایم و ۹ کشور آن را برای همه جرم ها در زمان صلح لغو

کردند.